

## بازتاب شکسته ساغر بلورین در کاشی

دکتر احمد خواجه‌ایم

بی‌گمان خاقانی شروانی (۵۹۵-۵۲۰ ه.ق) شاعر بزرگ و قصیده پرداز سترگ قرن ششم تأثیری آن چنان وسیع در پهنه‌ی ادب فارسی پس از خود و بر چامه سرایان همعصرش و نیز شاعران قرن‌های پس از آن نهاده است که ارائه و نمایاندن آن موارد حتی در حوزه‌ی عمومی، مجالی فراختر و فراتر از یک مقاله را در خور است و باید گفت کتاب و بلکه برای این منظور کتاب‌هایی در بایست است تا روشنگر تأثیرات خاقانی بر شاعران دیگر حتی شاعران معاصر و امروزی باشد.

از این رو غالب شاعرانی که از قالب شعری خاقانی = چامه، استقبال کرده‌اند و راه او را پوییده‌اند به عبارت دیگر طیف‌های متنوع و متعددی از شاعران را می‌بینیم که نع بیان و شیوه‌ی شاعری خاقانی را در پیش گرفته‌اند و تتبع و اقتفا و استقبال از خاقانی را در کارنامه‌ی شعری خود دارند و این‌ها گروه وسیعی از شاعران را شامل می‌شود (خاقانی، ۱۳۵۷: شصت و شصت و یک).

و با وجود آن که این استقبال و پیروی از خاقانی در وجوه و شکل‌های گوناگون ظاهر گشته است اما رویکرد تمامی این شاعران در یک نگاه کلی در اذعان به سرآمدی خاقانی یکسان بوده است مثلاً نوشته‌اند که "ظاهراً نخستین شاعری که به خاقانی توجه فراوان کرد و در اندیشه‌ی حل مشکلات اشعار او برآمده امیر خسرو دهلوی (۷۳۵-۶۵۳ ه. ق) بوده است" (سجادی، ۱۳۶۹: ۱۵۲).

و البته برخی دیگر هم به خاقانی از زاویه‌ی صعوبت شعر وی و روی دیگر زلالی اشعارش پرداخته‌اند و گفته‌اند "تیشه‌ی فرهاد برداشته‌ام تا در میان صخره‌های دشوار گذر کوه پر صلابت دیوان خاقانی آب راهه‌ای بتراشم" (ماهیار، ۱۳۸۲: ۲).

و نیز این بدان معنا نیست که جمع هر دوی این گفته نقیض یکدیگر باشد و بتوان گفت اجتماع نقیضین محال است زیرا بسیاری از ادیبان نام آوری که خود ذوق شاعری داشته‌اند اگر هم در رسته‌ی شارحان شعر سترگ خاقانی باشند، از سوی دیگر هم به استقبال و اقتفای چامه‌های درودگر زاده‌ی شروانی دست یازیده‌اند مثلاً امیر خسرو دهلوی (۷۳۵-۶۵۳ ه. ق) را می‌بینیم که برخی قصاید سخته و استوار خاقانی را نظیره سروده و چامه‌ی جانانه و جاودانه‌ی یکصد و پانزده بیتی مرات الصفا‌ی خاقانی را به مطلع:

مرا دل پیر تعلیم است و من طفل زباندانش      دم تسلیم سر عشر و سر زانو دبستانش  
(خاقانی، ۱۳۷۵: ۳۱۳)

را با چامه‌ای وزین و زبانی متین به مطلع:

دلم طفل است و پیر عشق استاد زباندانش      سواد الوجه سبق و مسکنت کنج دبستانش

جواب گفته و در انتهای قصیده آورده است:

مرا سبق کمال است آن که گفت استاد خاقانی      دل من پیر تعلیم است و من طفل زباندانش  
نه من گفتار دانا را جوابی ساختم لیکن      جوی آورده‌ام و آبی که ریزم پیش یکرانش  
(دهلوی، ۱۳۴۳: ۴۵۵)

نیز بنگرید به محاکمه اللغین امیر علیشیر نوایی ترجمه‌ی تورخان گنجه‌ای ص ۲۹ و ۳۰ به نقل از مقدمه‌ی دیوان خاقانی دکتر سجادی ص شصت.

استاد دکتر کزازی در مقدمه‌ی رخسار صبح با نگاهی گذرا به شاعران پیش و پس از خاقانی و تاثیر و تاثر متقابل خاقانی و آنان، به جهت اختصار از بسیاری شاعران متبوع خاقانی مانند کمال الدین حسن کاشی (۷۳۸-۶۶۰ ه. ق) نامی به میان نیاورده‌اند و البته از بسیاری از شاعرانی هم که نام برده‌اند، مجال گذری بر سرئده‌های استقبالی آنان را روا ندیده‌اند و به عنوان مثال آن گاه که از تأثیرپذیری مولانا جلال الدین محمد (۶۷۲-۶۰۴ ه. ق) از شاعر صبح

سخن گفته‌اند از استقبال‌های فراوان مولانا از خاقانی به هیچ روی سخنی نرانده‌اند و حال آن که تاثیر خاقانی بر مولانا، شاید به جهت آشکاری پنهان مانده است زیرا روشن است که مولانا در غزل چامه گونه‌ی مردف "بگریستی" در که در سی و یک بیت سروده آمده است به مطلع:

قدر غم گر چشم سر بگریستی      روز و شب‌ها تا سحر بگریستی  
(مولوی، ۱۳۸۰: ۱۰۷۰)

بی‌تردید به قصیده‌ی بیست و پنج بیتی مردف به "بگریستی" شاعر بزرگ شروان که در مرثیه‌ی عمویش کافی الدین عمر بن عثمان به مطلع:

گر به قدر سوزش دل چشم من بگریستی      بر دل من مرغ و ماهی سز به سر بگریستی  
(خاقانی، ۱۳۷۵: ۵۸۴)

نظر و توجه داشته است و نیز روشن است که مولانا در سرایش غزل مفصل چهل و شش بیتی خود به مطلع:

هر طربی که در جهان گشت ندیم کھتری      می‌برمد از او دلم چون دل تو ز مقدری  
(مولوی، ۱۳۸۰: ۹۱۶)

بی‌گمان تحت تاثیر چامه‌ی جاودانه‌ی صد و بیست و یک بیتی خاقانی به مطلع:

پیش که صبح بردمد شقه‌ی چتر چنبری      خیز مگر به برق می‌برقع صبح بردری  
(خاقانی، ۱۳۷۵: ۵۹۶)

سروده آمده است.

نمونه‌ها و نظایری از این تاثیر و تاثرات بسیار است و در مورد شاعران پیش از خاقانی باید گفت غالب آن‌ها شاعرانی هستند که خود خاقانی در دیوان شعرش به نام از آنان یاد کرده است (خواجه‌ایم، ۱۳۸۰: ۱۷۱) و شاعران پس از خاقانی اگر چه، همه‌ی آنان مورد بررسی و مذاقه‌ای از این حیث واقع نگشته‌اند - که تعدادشان بسی پر شمارست - اما در ماخذ پیشین به بخش معظمی از شاعرانی که از خاقانی تاثیر پذیرفته و قصاید غرای او را جواب گفته‌اند یا با او معارضه کرده و خود را همتراز وی دانسته‌اند یا خود را چون قآنی شیرازی (۱۲۷۰ - ۱۲۲۰ ه. ق) و خاقانی محلاتی، خاقانی ثانی دانسته‌اند اشاره شده و تتبعات آنان به صورت اجمالی برکاویده شده است.

دکتر مرتضی فلاح نیز در مقاله‌ای از "شاعران در دیوان خاقانی و خاقانی در دیوان شاعران" (مدرسی / طالعی، ۱۳۸۴: ۴۷۸) سخن رانده‌اند و بدیهی است در مفالتهی مختصر امکان پرداختن به تمام جماعتی که داعیه دار اقتفای ساحر شروانند امکان پذیر نیست.

از میان شاعرانی که در عصری نزدیک به عصر خاقانی می‌زیسته و بشدت تحت تاثیر شاعر بزرگ شروان بوده و در هیچ ماخذ و منبع و تذکره‌ای هم این تتبع او یاد نشده است و چیزی در این باب هم نیامده، کمال الدین حسن بن محمود کاشی مشهور به حسن کاشی شاعر و عارف سده‌ی هفتم و هشتم هجری است که پرداختن به او بسیار در خور توجه است.

دکتر ذبیح الله صفا با آن که شرح حال مختصری از حسن کاشی در جلد سوم تاریخ ادبیات در ایران درج کرده‌اند اما متعرض تاثیر پذیری او از خاقانی نگشته‌اند و نیز او را از شاعران قرن هشتم دانسته‌اند (صفا، ۱۳۷۱: ۷۴۵).

درباره‌ی سهو القلم استاد صفا باید گفت که مولانا حسن کاشی بی‌تردید از شاعران نیمه‌ی دوم قرن هفتم و نیمه‌ی اول قرن هشتم است و برای توضیح بیشتر باید متذکر شد که خانواده‌ی این شاعر از کاشان اما مقیم آمل بوده‌اند و پدر حسن کاشی محمود نام داشته و حسن کاشی در آمل زاده شده است (کاشی، ۱۳۸۹: ۲۱) در تاریخ ادبیات در ایران، کاشی در ردیف شاعرانی چون سیف الدین فرغانی و سلمان ساوجی و امامی هروی و خواجوی کرمانی به شمار آمده که "در ذکر مناقب پیامبر و خاندان او یا در رثای آنان اشعاری سروده‌اند"

(صفا، ۱۳۷۱: ۲۳۶) و در ادامه، صفا تاکید کرده است "بعضی از آنان مانند حسن کاشی تنها به مدح و منقبت خاندان

پیامبر و خاندانش زبان می‌گشایند (صفا، ۱۳۷۱:۲۳۷) در فرهنگ سخنوران به اشتباه نام شاعر به جای حسن، "حسین" ثبت شده و وی از شاعران دوره‌ی الجایتو معرفی گشته است (خیام پور، ۱۳۷۲:۷۵۵).

این زلت قلمی دکتر خیامپور که نام کاشی را به جای حسن، حسین ثبت کرده ممکن است از منابع و تذکره‌هایی باشد که خیام پور از آن‌ها بهره برده، مثلاً در تحفه‌ی سامی هم از این شاعر شیعی متبوع خاقانی به غلط به عنوان "مولانا حسین کاشی یاد شده (سام میرزا، ۱۳۴۶:۵۶) اگر چه باز در تذکره الشعراء، فصل دهم طبقه‌ی چهارم کتاب به وی اختصاص یافته و وی به عنوان "افضل المتکلمین مولانا حسن کاشی رحمه الله علیه" و "از جمله‌ی مادحان حضرت شاه ولایت پناه حضرت امیر المومنین و امام المتقین و یعسوب الدین اسدالله الغالب ابی الحسن علی بن ابی طالب کرم الله وجهه" معرفی گشته است (سمرقندی، ۲۲۳:۱۳۶۶).

اکنون چون در این مجال ضیق امکان بلیغ برای کاوش تام و تمام در یاد کرد حسن کاشی در تذکره‌ها و معاجم میسر نیست به سر سخن باز می‌رویم و بر سر آن می‌شویم که باز نماییم با وجود آن که نام خاقانی شروانی در دیوان موجود حسن کاشی موجود و مضبوط نیست چگونه بر آنیم که او را از متبعان شاعر بزرگ شروان قلمداد کنیم. نخست باید متذکر شد آن چه از شعر حسن کاشی در اختیار داریم تمامی مجموعه اشعار او نیست که به این سخن خواهیم پرداخت و نیز این که به مصداق کل انائی تیرشح بما فیه، آن گاه که در شعر کاشی غور می‌کنیم در می‌یابیم که به دلایلی واضح و لایح، خاقانی در میان شاعران پیش از حسن کاشی بیشترین تاثیر را بر وی داشته به نوعی که شعر حسن کاشی با وجود رنگ و مضمون دینی و مذهبی و وجود مدایح ائمه‌ی معصومین (ع) رنگ و بوی شعر خاقانی را به خود گرفته و این موضوع بویژه در ساخت و شیوه‌ی قصیده پردازی بیشتر نمود داشته و خود را بیشتر جلوه گر ساخته است.

کوتاه سخن این که تاثیرات حسن کاشی از خاقانی را که به اثبات این مدعا - که خاقانی موثرین فرد بر روح و اندیشه‌ی شاعرانه‌ی حسن کاشی بوده - در دو بخش می‌توان دسته بندی کرد:

اول: تاثیرات مستقیم و آگاهانه

دوم: تاثیرات غیر مستقیم و نوارد گونه

اما تاثیرات نوع اول مشتمل است بر:

الف: استقبال و جواب گویی چامه‌های برجسته‌ی خاقانی بویژه از نظر عروض و درج نسیب و تشبیب در این چامه‌ها

ب: به کار گیری ردیف‌های خاص خاقانی و همسانی عجیب قصیده‌های مردف او با خاقانی

و اما تاثیرات نوع دوم عبارتند از:

الف: به کار گیری واژگان خاص خاقانی مانند صبح و یاد کرد اعلام خاص ایرانی اسلامی مانند موسی و عیسی و فریدون و ضحاک و....

ب: تنظیم ساخت و چهار چوبه‌ی کلی چامه‌ها بر شکل و شمایل قصاید خاقانی که گویا بر اثر توغل و غور فراوان در دیوان خاقانی برای حسن کاشی فراهم آمده است.

نخست باید تاکید کرد که تاثیر و تاثر شاعران از یکدیگر کاری مرسوم و معمول بوده و از این رو در مقدمه‌ی دیوان حسن کاشی، آقای حسن عاطفی به این گونه استقبال‌های شعری با نگاهی بسیار گذرا اشاراتی کرده‌اند و تنها از یک نمونه در تاثیر خاقانی بر حسن کاشی یاد کرده و حسن کاشی را از رهروان راه سنایی دانسته‌اند و برای این مدعا شواهدی از شعر سنایی و استقبال‌های کاشی از سنایی را نیز ارائه کرده‌اند.

در این زمینه لازم است یادآوری شود که خاقانی اگر چه در قصیده سرایی نو آور و مبدع است و عاریت دیگران را بسختی پذیراست و خود را: شاعر مفلک" (۱) می‌داند و می‌خواند اما تاثیر سنایی بر خاقانی آن چنان روش و واضح است که کلام خود خاقانی را برترین و بهترین گواه این مدعا می‌توان دانست که با آن که خاقانی در میان تمام شاعران که آنان را "خسیس ریزه" (۲) و "ریزه خور خوان خود" (۳) می‌نامد.

اما سنایی را ارج می‌نهد و جایگاه او را پاس می‌دارد و خود را جانشین او می‌خواند و می‌گوید:

چون زمان عهد سنایی درنوشت  
چون به غزنین شاعری شد زیر خاک  
آسمان چون من سخن گستر بزد  
خاک شروان شاعری دیگر بزد  
(خاقانی، ۱۳۷۵: ۱۱۳۶)

بنا بر این می‌توانیم بگوییم تأثیرات حسن کاشی از سنایی را به نوعی می‌توان جلوه‌ی تأثیرات حسن کاشی از خاقانی هم دانست زیرا که خاقانی در شاعری هم خود را بدل سنایی می‌شمرد و می‌گوید:

بدل من آمدم‌اند جهان سنایی را  
بدین دلیل پدر نام من بدیل نهاد  
(خاقانی، ۱۳۷۵: ۱۱۳۹)

در مطلع قصایدی هم که آقای عاطفی در مقدمه‌ی دیوان کاشی با عنوان "استقبال مولانا از سنایی" آورده‌اند و در آن جا شش مطلع از قصاید سنایی را یاد کرده‌اند باید دانست برخی از همان قصاید با همان وزن و روی در دیوان خاقانی هم موجود است، جز این که خاقانی قصیده‌ی لامیه ندارد. (رک: کاشی، ۱۳۸۹: ۳۱) و نیز (خاقانی، ۱۳۷۵: ۳۸) در تعریف استقبال گفته‌اند که "تبع شاعر قصیده یا غزل یا قطعه‌ی شاعری دیگر را" (دهخدا، ۱۳۷۲: زیر واژه = ۱۸۴) و این همان گونه که گذشت از دیر باز مرسوم و متداول بوده است و شاید خاقانی از جمله شاعرانی باشد که قصاید وی بیش از همه مورد استقبال دیگر شاعران واقع شده باشد به نحوی که برخی قصاید وی را مانند شینیه‌ی مرات الصفای صد و پانزده بیتی او، توسط صد و ده تن از شاعران پس از وی مانند سیف الدین اقرنگی (م ۶۶۶ ه. ق) و امیر خسرو دهلوی (م ۷۲۵ ه. ق) و امیر علیشیر نوایی (م ۹۰۶ ه. ق) و بسیاری شاعران دیگر مورد استقبال قرار گرفته است (باقریان موحد، ۱-۱۳۸۹: ۱۲) و در واقع مقاله‌ی آقای سید رضا باقریان موحد با عنوان "پیر تعلیم و صد و ده استقبال از قصیده‌ی شینیه‌ی خاقانی" متمیم پژوهش مرحوم استاد دکتر سید ضیاءالدین سجادی (۱۳۷۵-۱۲۹۸ ه. ش) با عنوان "سیر یک قصیده در نه قرن" است که در نامه‌ی مینوی منتشر شده بود و پس از دکتر سجادی با مقاله‌ای با عنوان "پیر تعلیم" از دکتر حسن ذوالفقاری در سال ۱۳۸۵ شمسی، سیر این چامه موسع تر کاویده شده بود اما آقای باقریان موحد استقصا را به اقصی الغایه رسانده‌اند و اگر چه هنوز می‌توان بر یک صد و ده هم با تفحص و تصفح‌های جانکاه افزود اما هنوز پژوهش ایشان و تاکنون، کامل‌ترین است. از سویی دیگر می‌دانیم که حسن کاشی نیز چونان شاعران بزرگ بسیاری، غرر قصاید فخیم خاقانی شروانی را جواب گفته است و اگر حتی در این استقبال و جواب گویی صراحتی نیز به نام خاقانی نداشته باشد اما "چامه‌ی خاقانی آن چنان آوازه یافته است و دلپسند سخنوران افتاده است که... سخنورانی که چامه را پاسخ گفته‌اند، در آن به فروتنی یا برمنشی از خاقانی یاد کرده‌اند" (کزازی، ۱۳۷۳: ۱۶۰) و به این نکته اشارتی گذرا خواهد شد. اما از نظر اوزان عروضی با آن که از منظر تعداد ابیات، دیوان خاقانی با حدود هفده هزار بیت (سجادی، ۱۳۷۳: ۲۳) در مقایسه با دیوان حسن کاشی که به استقصای نگارنده‌ی این سطور حدود هزار و هشتصد بیت است، تقریباً یک به ده هستند به عبارتی دیگر میزان شعر خاقانی در دیوان حدود ده برابر اشعار موجود در دیوان حسن کاشی است. البته این نکته‌ی مهم را باید همواره در نظر داشت که آن چه اینک از اشعار حسن کاشی در اختیار داریم بی‌گمان همه‌ی اشعار او نیست همان گونه که استاد رسول جعفریان در مقدمه‌ای کوتاه بر دیوان حسن کاشی تصریح کرده‌اند که "اطمینان داریم که از شیخ [= حسن کاشی] قصاید دیگری نیز به طور پراکنده در آثار مخطوط وجود دارد که می‌بایست آن‌ها هم گرد آوری شود (کاشی، ۱۳۸۹: ۸).

از جنبه تأثیرات عروضی و اوزان اشعار هم پس از بررسی تمامی اشعار حسن کاشی و مشخص ساختن بحور و نام‌های عروضی آن‌ها توسط نگارنده، مقایسه با اوزان و بحور به کار رفته در دیوان خاقانی که فهرست آن را دکتر کزازی فراهم آورده‌اند (رک: کزازی، ۱۳۷۲: ۲۴۵) در می‌یابیم که از میان سی و دو وزن به کار رفته در دیوان خاقانی پرکاربردترین بحر مورد استفاده‌ی خاقانی بحر مضارع است و بر پایه‌ی آمار دقیق دکتر کزازی خاقانی ۱۵۸ سروده

در بحر مضارع مثنیٰ مخرب مکفوف محذوف (مفعول فاعلاتن مفاعیل فاعلن) دارد و از طرفی در دیوان حسن کاشی نیز همین بحر مضارع مثنیٰ مخرب مکفوف محذوف که گاه مقصور شده یعنی "فاعلن" به "فاعلان" بدل گشته پر کاربردترین بحر است که شامل هجده سروده مشتمل بر پانزده قصیده و دو غزل و یک ترکیب بند است. همچنین در دیوان خاقانی بحر هزج مسدس مخرب مقبوض (مفعول مفاعلن فعولن) از حیث کثرت کاربرد در رده و پایه‌ی سوم است و در دیوان حسن کاشی نیز چنین است و بحر رمل مسدس محذوف (فاعلاتن فاعلاتن فاعلن) در نزد خاقانی در رده‌ی چهارم و در نزد کاشی در جایگاه دوم است که در مجموع بسیار به هم نزدیکند. در باره‌ی سایر بحور و وزن‌های عروضی هم باید گفت بحر مجتث مثنیٰ مخبون محذوف (مفاعلن فعلاتن مفاعلن فعلن) در دیوان خاقانی در رده‌ی ششم و در دیوان حسن کاشی در رده‌ی چهارم است و برای سایر بحور و اوزان هم نزدیکی‌های بسیاری وجود دارد که نقل کامل آن تطویل می‌آورد و محتاج مجال و مقال دیگری است. با توجه به شواهد ارائه شده می‌توان گفت بی‌گمان چنین رویکردی در گزینش اوزان عروضی ابداء اتفاقی نبوده است و با وجود آن که تنوع عروضی - آن گونه که در نزد خاقانی وجود دارد - در نزد حسن کاشی دیده نمی‌شود اما او بی‌گمان از منظر انتخاب اوزان قصاید و ترجیعات به خاقانی نظر بلیغ داشته است. از جهت تشبیب و تغزل هم شباهت‌ها و یکسانی‌های زیادی بین دو شاعر موجود است که فقط اختصاراً بدین نکته اشارتی می‌کنیم که قالب غالب در نزد هر دو شاعر قصیده است و در دیوان کاشی نیز چونان خاقانی قصاید مقتضی وجود دارد و از طرفی می‌دانیم خاقانی شاعری است که به تجدید مطلع موع بوده و گاه در یک قصیده شش بار تجدید مطلع کرده است (میر صادقی، ۱۳۷۳:۲۰۹).

به عبارت دیگر حسن کاشی را نیز چون خاقانی قصایدی است که دارای تشبیب و نسیب است و با وجود آن که بیشتر شعر حسن کاشی در مدح ائمه‌ی معصومین (ع) بویژه حضرت امیر المومنین علی (ع) سروده شده است، و بیشتر شعر خاقانی را مدح اخستان و پدرش و سایر حاکمان منطقه‌ی اران و شروان تشکیل می‌دهد، اما شیوه‌ی تتبع و تاثیر پذیری کاشی از خاقانی هنگام تصفح دیوان به روشنی به دست می‌آید مثلاً از آن رو که خاقانی در برخی از قصاید پر طنطنه‌ی خود چندین بار تجدید مطلع کرده که قصاید موسوم به رخسار صبح (۴۳)، و تهنیت مولود فرزند اخستان (۳۱)، و قصیده‌ی زلف شب (۳۲)، را در دو مطلع و نیز قصیده‌ی مردف آمیخته‌اند (۳۷) و قصیده‌ی نهزه الارواح (۳۹)، و قصیده‌ی ای عندلیب جانها طاووس بسته زیور (۵۹) را در سه مطلع و قصیده‌ی صبح زمشرق چو کرد بیرق صبح آشکار (۵۶) و قصیده‌ی مدح پدر خویش علی نجار (۱۰۵) و قصیده‌ی باکوره الاسفار (۶۲) و و قصیده‌ی التزام صبح (۱۴) در چهار مطلع برخی از آن جمله‌اند. کاشی نیز از شاعران معدودی است که در دیوان او قصاید دارای تجدید مطلع یافت می‌شود او نخست در قصیده‌ی در مدح امیر المومنین علی (ع) تجدید مطلع کرده و آن گاه که این قصیده را با مطلع:

کسی که دیده به دیدار یار بگشاید  
در سعادتش از روزگار بگشاید  
(کاشی، ۱۳۸۹:۹۴)

آغازیده پس از دوازده بیت در این قصیده تجدید مطلع می‌کند و می‌آورد:

اگر لبث به شکر خنده بار بگشاید  
به شکر شکر تو جان نثار بگشاید  
(کاشی، ۱۳۸۹:۱۵)

که علاوه بر اقتفای به خاقانی که به تجدید مطلع در چامه هایش بلند آوازه است، در گزینش ردیف "بگشاید" به قصیده‌ی مردف دو مطلعی خاقانی با ردیف "بگشاید" نظر داشته است. (رک: خاقانی، ۱۳۷۵:۲۳۴)

حسن کاشی را قصیده‌ی دیگری است در ۶۷ بیت و باز هم در مدح و منقبت امیر المومنین علی (ع) مردف به "ریخته" که مطلع آن به شرح زیر است:



مطلع اول:

بر فرش سیم از طشت زر یاقوت حمرا ریخته / دست قدر عقد گهر از طاق مینا ریخته

مطلع دوم:

شد از کواکب بر فلک عقد گهر تا ریخته / دست قضا مشک خطا بر صحن غبرا ریخته

مطلع سوم:

ای از دو لعل آتشن آب مسیحا ریخته / در چشم شوخت از کمین خون‌ها به یغما ریخته

مطلع چهارم:

ای فیض احسان و کرم بر جمله اشیا ریخته / تیغ تو طوفان ستم بر جان اعدا ریخته

(کاشی، ۱۳۸۹: ۱۴۵)

و این قصیده‌ی غرای کاشی بی تردید استقبال تام و تمامی است از قصیده‌ی سه مطلعی سترگ ۹۷ بیتی خاقانی در مدح فخر الدین منوچهر شروانشاه به مطلع:

در کام صبح از ناف شب مشک است عمدا ریخته / زرین هزاران نرگسه بر سقف مینا ریخته

(خاقانی، ۱۳۷۵: ۵۱۹)

که در قصیده‌ی مذکور، حسن کاشی علاوه بر اقتفای ردیف، حرف روی را نیز عینا تتبع کرده و وزن قصیده‌ی خود را همان وزن قصیده‌ی خاقانی یعنی بحر رجز مثنی سالم (مستفعلن ۴ بار) قرار داده و برخی واژگاہ قافیه‌ی خاقانی مانند: مینا، عمدا، جوزا، حمرا، بیضا، طغرا، هیجا، و... را عینا از خاقانی وام گرفته است. حسن کاشی در راه سپری شیوه و سیره‌ی خاقانی که باید ابتدای آن را بر نوگرایی و شیوه و طرز خاص خاقانی دانست همان گونه که خود خاقانی سروده:

مرا شیوه‌ی خاص و تازه و داشت / همان شیوه‌ی باستان عنصری

(خاقانی، ۱۳۷۵: ۱۲۴۸)

اهتمامی تام و تمام به خرج داده و همان گونه که خاقانی در به کار گیری ردیف‌های صعب و دشوار و واژگان عجیب، اهتمامی غریب داشته است و واژه‌های "خاک" و "آفتاب" و "کعبه" و "آینه" و "صبح" و "ظفر" و "زندگی" و "مملکت" و "پدر" و ترکیبات فعلی "انگیخته" و "بگریستی" و "ریخته" و "مبنام" و "ساختن" و "نخواهی یافتن" و "تازه بینی" و "برنتابد بیش از این" و... را به عنوان ردیف به کار گرفته و با استفاده از آن‌ها هنر شاعری خود را به اوج رسانده است، شاعر و عارف بزرگ شیعی سده‌ی هفتم و هشتم هم در اشعار مردف خود، نو آوری به کار بسته و در ترکیب بند هفت رنگ در مدح امیر المومنین علی (ع) واژه‌های "سفید" و "سبز" و "سرخ" و "زرد" و "بنفش" و "و" "کبود" و "سیاه" را ردیف ساخته و در جاهای دیگر اشعارش نام‌های "مسطفی" و "علی" و "یا علی مسی الرضا" و... را در زمره‌ی ردیف‌های اشعار خود قرار داده است. کاشی بویژه در به کار گیری ردیف‌های دارای ترکیبات فعلی پا در جایای خاقانی نهاده و "انداخته" و "ریخته" و "یافته" و "بگشاید" و "نوشته‌اند" و "می‌رود" و "کرده‌اند" و "شکست" و نظایر این‌ها را در ردیف شعر فخیم خود گنجانده است.

کاشی در اقتفای قصیده‌ی مردف پیش گفته‌ی "ریخته"ی خاقانی داد سخن داده و سروده:

بر فرش زر از طشت زر یاقوت حمرا ریخته / دست قدر عقد گهر از طاق مینا ریخته

که پیش از این از این قصیده و مطالع دیگرش یاد شد.

و نیز در ورود به میدان نظیره سرایی بند نامه‌ی شصت و پنج بیتی جاودانه‌ی چامه سرای بزرگ شروان

به مطلع:

صبحدم چون کله بندد آه دود آسای من  
چون شفق در خون نشیند چشم شب پیمای من  
(خاقانی، ۱۳۷۵: ۴۷۶)

قصیده‌ی سخته‌ای در هشتاد و یک بیت سروده و آن را با این مطلع جواب گفته است:

هر سحر کز موج این دریای گوهر زای من  
گوهر معنا دهد فکر فلک پیمای من  
(کاشی، ۱۳۷۵: ۱۴۱)

در عین حال با توجه به میزان اندک شعر کاشی در مقام مقایسه با شعر خاقانی و نیز اهتمام و احترام کاشی در رعایت استادی خاقانی این چامه‌ی مردف "من" تنها چامه‌ای است که در آن تعداد ابیات کاشی از قصیده‌ی مورد استقبال بیشتر است (۸۱ بیت در مقابل ۶۵ بیت) به عبارت دیگر در سایر موارد مقایسه آمارها نشانه‌ی باژگونی این مورد است و همواره قصایدی که کاشی در استقبال از قصاید خاقانی سروده از نظر تعداد ابیات، دارای بیت‌های کمتری است جز در همین قصیده.

## ۲- تاثیرات غیر مستقیم و به کارگیری واژگان خاص خاقانی

اما در باره‌ی تاثیراتی که کاشی به صورت غیر مستقیم از خاقانی گرفته است و سخت است که این موارد را که خواهد آمد که مشتمل بر کارکردهای مشابه دو شاعر است، توارد بدانیم اجمالا استفاده از ترکیباتی که یاد آور ترکیب سازی خاقانی‌اند و نیز ترکیباتی که نام خاقانی را بر جبین خود دارند مانند "آب مسیحا" و "سبز خنگ چرخ" و "سبز خوان آسمان" و "طاووس فلک" و "طایر فکرت" و "مریم عصمت" و "گوی سیمین مه" و "سرادقات جلال" و "عروس شب" و "شهسوار فلک" و "عرصه‌ی میدان عشق" و "طوطیان خاطر" و "همای خاطر" و "نوعروسان معنی" و "همای همت" و... از آن زمره‌اند، که برخی از این ترکیبات عینا یا با تصرفی اندک در دیوان خاقانی هم آمده است و روشن می‌سازد حتی اگر این گونه استفاده‌ها از ترکیبات شاعر بزرگ ترکیب ساز قرن ششم را توارد هم محسوب بداریم باز هم نتیجه‌ی توغل و تأمل فراوان حسن کاشی در دیوان خاقانی است که موجب به کارگیری ناخداگاه او از ترکیبات خاقانی ساز شده است. اگر چه در پاره‌ای موارد تردیدی نیست که کاشی در به کار بردن ترکیب سازی‌های بدیع به شعر خاقانی توجه و اهتمام داشته و به جهت تأیید کلام تنها نمونه‌هایی محدود نقل می‌کنیم.

همای همت:

پیش همای همت مردان راه حق  
غیر از تو هرچه هست کم است از یک استخوان  
(کاشی، ۱۳۸۹: ۱۳۳)

و خاقانی راست:

زاغ حرص و همای همت را  
ریزه و استخوان نمی‌یابم  
(خاقانی، ۱۳۵۷: ۲۹۲)

نیز:

خود را همای دولت خوانند و غافلند  
کالا غراب ریمن و جغد دمن نیند  
(خاقانی، ۱۳۷۵: ۲۱۵)

و خاقانی رخس همت نیز به کار برده:

رخس همت برون جهان چون مسیح  
زین پل آبگون آتشبار  
(خاقانی، ۱۳۷۵: ۲۶۰)

چون با استفاده از فرهنگ لغات و تعبیرات دیوان خاقانی تالیف استاد فقید دکتر ضیاالدین سجادی و مطابقه‌ی آن با آن چه در انتهای دیوان حسن کاشی در فهرست‌ها تحت عنوان صور بلاغی در صفحات ۲۱۰ تا ۲۱۶ آمده می‌توان

ترکیبات مشترک را با اندک تورقی یافت از نقل آن موارد افزون تر صرف نظر می‌کنیم و مقایسه‌ی مضمون‌سازی خاقانی و کاشی را به مجالی دیگر وا می‌نهمیم.

### یادداشت‌ها

شاعر مفلق منم خوان معانی مراست ریزه‌خور خوانم‌نرود کیو عنصری  
مشتی خسیس ریزه که اهل سخن نیند بامنقرانکنند و قرینانمنیند  
شاعر مفلق منم خوان معانی مراست ریزه‌خور خوانم‌نرود کیو عنصری  
شمارش ابیات توسط راقم این سطور انجام شده و شماره‌ی قصاید خاقانی بر اساس چاپ استاد دکتر کزازی است

### فهرست منابع:

- باقریان موحد، سید رضا، (۱۳۸۹) *پیر تعلیم*، صد و ده استقبال از قصیده‌ی شبنیه‌ی خاقانی خاقانی، بدیل بن علی، (۱۳۵۷) *دیوان خاقانی به کوشش دکتر ضیاءالدین سجادی*، چاپ دوم، انتشارات زوار، تهران.
- خاقانی، بدیل بن علی، (۱۳۷۵) *دیوان خاقانی (دو جلدی)* ویراسته‌ی دکتر میر جلال‌الدین کزازی، چاپ اول، نشر مرکز، تهران.
- خواجه ایم، احمد، (۱۳۸۰) *سحر ساحر شران و معارضان*، چاپ شده در کتاب *کیمیای سخن* (مجموعه مقالات همایش نکوداشت دکتر سید محمد علوی مقدم) چاپ اول، انتشارات دانشگاه تربیت معلم سبزوار، سبزوار.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳)، *لغت نامه (۱۴ جلدی)* چاپ اول، انتشارات دانشگاه تهران / نشر روزنه، تهران.
- دهلوی، امیر خسرو، (۱۳۴۳) *دیوان امیر خسرو دهلوی*، به اهتمام م. درویش، چاپ اول، انتشارات جاویدان، تهران.
- سام، میرزا صفوی، (۱۳۴۶) *تذکره‌ی تحفه‌ی سامی به تصحیح و مقدمه‌ی رکن‌الدین همایون فرخ*، چاپ اول، صفی‌علیشاه، تهران.
- سجادی، ضیاءالدین، (۱۳۶۹) *حواشی دکتر معین بر اشعار خاقانی*، چ ۲، نشر پاژنگ، تهران.
- سجادی، ضیاءالدین، (۱۳۷۳) *شاعر صبح*، چاپ اول، انتشارات سخن، تهران.
- سجادی، ضیاءالدین، (۱۳۷۴) *فرهنگ لغات و تعبیرات خاقانی*، (دو جلدی) چاپ اول، انتشارات زوار، تهران.
- سمرقندی، دولت‌شاه، (۱۳۶۶)، *تذکره الشعرا، به کوشش محمد رضائی*، چاپ دوم، انتشارات پدیده‌ی خاور، تهران.
- صفا، ذبیح‌الله، (۱۳۷۱) *تاریخ ادبیات در ایران*، (۵ جلد در ۸ مجلد) چاپ سوم، انتشارات فردوس، تهران.
- کاشی، حسن، (کمال‌الدین حسن بن محمود کاشی)، (۱۳۸۹) به کوشش سید عباس رستاخیز، چاپ دوم، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، تهران.
- ماهیار، عباس، (۱۳۸۲) *شرح مشکلات خاقانی دفتر اول*، از ثری تا ثریا، چاپ اول، انتشارات جام گل کرج، کرج.
- مدرسی، فاطمه و طالعی محبوب، (۱۳۸۴) *مجموعه مقالات برگزیده‌ی همایش خاقانی‌شناسی*، جلد اول چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی ارومیه با همکاری دبیرخانه‌ی دائمی ادبیات آذربایجان دانشگاه ارومیه، ارومیه.
- مدرسی، فاطمه و طالعی محبوب، (۱۳۸۷) *مجموعه مقالات برگزیده‌ی همایش خاقانی‌شناسی*، جلد دوم چاپ اول، انتشارات جهاد دانشگاهی ارومیه با همکاری دبیرخانه‌ی دائمی ادبیات آذربایجان دانشگاه ارومیه، ارومیه.
- مولوی، جلال‌الدین محمد، (۱۳۸۰) *غزلیات شمس تبریزی*، به کوشش بدیع‌الزمان فروزانفر، چاپ پنجم، انتشارات علم، تهران.
- میر صادقی، مهناز، (۱۳۷۳) *واژه‌نامه‌ی هنر شاعری* (فرهنگ تفصیلی اصطلاحات فن شعر و سبک‌ها و مکتب‌های آن) چاپ اول، کتاب مهناز، تهران.